



اقتباس: کوهو رث پریانی

درباره آزادی مطالعه

پروپوزیشن علمی و مطالعاتی و انتشارات علمی
 پرتال جامع علوم انسانی

انجمن کتابداری آمریکا (۱) و شورای ناشران آمریکائی
 در اوست چتر (۲) صادر شد، که در ۱۹۷۰ با موسسه
 ناشران آموزشی ادغام گردید و به انجمن ناشران آمریکائی
 (۳) تبدیل شد.
 این بیانیه به وسیله شورای انجمن کتابداری آمریکا (۴)
 در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ پذیرفته شده، و در ۲۸ ژانویه
 ۱۹۷۲ اصلاح و دو باره چاپ گردید.

از انحراف (وفساد) اخلاقیات لازم است. ما، به عنوان شهرت
 و نهان علاقمند به کار برد کتاب به عنوان کتابداران و ناشران
 مسوول انتشار و توزیع در ایالات متحده می‌خواهیم از علاقه عمومی
 در حراست آزادی مطالعه پشتیبانی کنیم.
 این نوع فعالیتها، در جهت توقیف کتاب، ما را عمیقاً
 نگران میسازد و بیشتر مبتنی بررد این پایه بنیادی دموکراسی قرار
 دارد: که يك شهروند عادی، با بکار انداختن داوری انتقادی
 خود، خوب را از بد تمیز داده و آنرا بپذیرد. سانور کنندگان،
 چه خصوصی و چه دولتی این طور وانمود می‌کنند که آنها باید

آزادی مطالعه رکن اساسی دموکراسی در ایالات متحده
 است. این آزادی پیوسته مورد حمله قرار می‌گیرد. گروههای
 خصوصی و مقامات دولتی در بخشهای مختلف کشور همواره می-
 کوشند تا از فروش کتابها جلوگیری کرده، کتابها را سانور
 نموده، به کتابها برچسب «مباحثه‌ای» زده، فهرست نام کتابها
 و مولفان «ناشایست» را توزیع نموده، و کتابخانهها را (از
 کتابهای به اصطلاح مضره) خالی سازند. خاستگاه این اعمال
 ظاهراً این نظر است که سنت ملی آزادی بیان ما دیگر معتبر نیست،
 و سانور و توقیف به منظور دوری از تخریب سیاستها و جلوگیری

خوب و بد همشیرهوندان خود را تعیین کنند.

ما معتقدیم که مردم تبلیغ را از غیر تبلیغ تمیز داده و آنرا نمی پذیرند ما اعتقاد نداریم که در انجام این کار آنها به یاری سانور کنندگان نیاز دارند. ما اعتقاد نداریم که آنها به خاطر «حفاظت» در برابر آنچه دیگران می اندیشند ممکن است برایشان بد باشد این آمادگی را دارند که مرده ریک (میراث) آزادی مطبوعاتی خود را فدا سازند. ما معتقدیم که آنها هنوز هم طرفدار مبادله آزادانه عقیده و بیان هستند.

البته، آگاه هستیم که این فقط کتاب نیست که تحت شرایط و فعالیتهای توقیف و سانور است. بلکه این نوع فعالیتها به الگوی گسترده تری از فشارهایی که بر علیه آموزش و پرورش مطبوعات، فیلمها، رادیو و تلویزیون هم وارد می شود مربوط است. مسأله ای که مطرح است فقط سانور واقعی نیست. گمان می کنیم که سایه ترس این نوع فشارها حتی به خود - سانوری گسترده تر بیان آنهایی که از مباحثه دوری می جویند می انجامد. چنین فشاری در جهت هموائی (سازش)، احتمالا در یک دوران تغییر بی آرام و ترس فراوان طبیعی است. بویژه، هنگامی که بسیاری از نگرانی های ما از آینده متوجه عقاید خاصی است، بیان عقاید مخالف به خودی خود، موضوعی ترسناک شده، و ما با انگیزه ای فرونشاندن ه متمایل به حرکت بر علیه آن هستیم انگار که بر علیه کرداری متخاصم بر می خیزیم.

وتازه فرونشانی (وتوقیف) در این زمان و با چنین بحران اجتماعی از هر زمان دیگری خطرناک تر است. آزادی بیان ایالات متحد این حساسیت را داده است تا فشار را متحمل گردد. آزادی، مسیر نو و آفریننده راه حلها را باز نگه داشته، و وسیله تغییر و اختیاری را فراهم می سازد. خاموش ساختن هر نوع فرقه سانسور تحمیل هر نوع تعصبی، پایداری و جهنگی جامعه ما را کاهش داده و توانایی آنرا در برابر فشار کمتر می سازد.

امروزه، همچون روزگاران دیگر تاریخ ما، کتاب از جمله بزرگترین ابزار آزادی است. و این تقریباً تنها ابزاری است که می تواند عقاید یا روشهای مختلف بیان را، که در آغاز فقط می تواند بر گروه کوچکی حکمران باشد، در اختیار همگان قرار دهد. کتاب رسانه طبیعی عقاید تازه و آوای ناآزموده ای است که از آن همکاریایی اصیل در رشد اجتماعی سر چشمه می گیرند. کتاب در بحث گسترده ای که به اندیشه ای جدی نیازمند است، و در قلمرو اندیشه ها و عقیده های مختلف به شکل گنجینه ای سازمان یافته نقشی اساسی دارد.

ما معتقدیم که ارتباط آزاد برای حراست جامعه ای آزاد و فرهنگی آفریننده رکنی اساسی است. اعتقاد داریم که اعمال این گونه فشارها در جهت هموائی (سازش)، خطر محدود ساختن برد و گوناگونی جستار و بیان را که مردم سالاری (دموکراسی) و فرهنگ ما بر مبنی آنها استوارند، به همراه دارد. ما معتقدیم که تمام جوامع باید، به خاطر نگهداری آزادی مطالعه خویش، به گونه ای حاد آمیز از نشر و توزیع کتاب پشتیبانی کنند و معتقدیم که ناشران و کتابداران در بخشیدن اعتبار به آزادی مطالعه با ممکن ساختن این مطالب برای خوانندگان - که بتوانند از میان انواع مختلف کتابهایی که به آنها ارائه می دهند به آزادی کتاب های مورد نظر خود را انتخاب کنند - از مسؤولیتی ژرف بر خوردارند.

آزادی مطالعه در آمریکا به وسیله قانون اساسی تضمین شده است. آنهایی که به آزادی انسانها ایمان دارند در دفاع از تعهدات مربوط به قانون اساسی آمریکا که جزء حقوق بنیادی انسانها بشمار

می رود شدیداً ایستادگی کرده و به مسئولیتهائی که در قبال نوع حقوق دارند عمل می کنند.

بنابر این، ما گزاره های (پیشنهادهای) زیر را موکداً تریح می نمائیم:

۱- این موضوع در جهت منافع عمومی است که ناشران و کتابداران، گوناگون ترین دیدگاه ها و اظهارات مختلف را در برابر مردم قرار دهند، حتی آنهایی که از نظر اکثریت نامطلوب و نافرینور (غیر ارتدکس) و منفور هستند.

بنابر تعریف، اندیشه آفریننده چیزی است نو، و آنچه نوشت متفاوت است. حاصل هر اندیشه نوئی آدمی است سرکش تا زمانی که عقاید او تهذیب شده و به آزمون در آید. نظام های یک تاز و مستبد می کوشند تا از طریق فرونشاندن بی رحمانه هر نوع عقیده ای که نظام فریوری مستقر (S) را به چالش می کشاند موضع خود را بر سریر قدرت نگهدارند. قدرت یک نظام دموکراتیک (مردم سالار) در پذیرش هر نوع تغییر به گونه گسترده ای به وسیله آزادی شهروندان آن در انتخاب عقاید متضادی که، به آزادی، به آنها ارائه می شود، تقویت می گردد. در نقطه خفه کردن هر نوع عقیده ناموافق، نشانه پایان یک فراگرد دموکراتیک (مردم سالار) است. بعلاوه، فقط از طریق فعالیت بیوسه سبک و سنگین کردن و از تخاب نمودن است که یک ذهن دموکراتیک (مرد سالار) به قدرتی که، در زمانی چنین، به آن نیاز است دست می یابد. ما نه تنها به شناخت آنچه معتقد هستیم، بلکه به تحلیل این که چرا به آن معتقد هستیم، نیاز داریم.

۲- نیازی به این نیست که ناشران، کتابداران و کتاب فروشان بر هر نوع عقیده و یا اندیشه موجود در کتابهایی که ارائه می کنند صحه گذارند. اگر آنها بخواهند دیدگاه های سیاسی، اخلاقی یا زیبایی شناسی خود را به عنوان انگارهای در تعیین این که چه کتابهایی بهتر است نشر و توزیع یابند بنانهند، این موضوع با مصالح و منافع عمومی در تضاد خواهد بود.

ناشران و کتابداران، از طریق کمک در فراهم ساختن دانش و عقاید لازم برای رشد ذهن و افزایش یاد گیری به فراگرد آموزش و پرورش به جامعه خدمت می کنند. آنها از طریق اعمال الگوهای اندیشه ای خود به عنوان یک مربی نمی توانند آموزش و پرورش را بیروانند. مردم باید آزادی مطالعه داشته باشند، و بر دی گسترده تر از عقایدی که ممکن است در اختیار کتابداران، ناشران، دولت ها و یا کلیساها باشد در نظر بگیرند. این موضوع که آنچه را یک انسان می تواند بخواند باید به آنچه که به اندیشه انسان دیگری درست است محدود شود غلط است.

۳- این که ناشران یا کتابداران شایستگی و پسندیدگی کتابی را بر مبنای سر گذشت شخصی یا پیوستگی های سیاسی مولف آن تعیین کنند بر خلاف منافع عمومی است.

هر کتابی باید به عنوان یک کتاب دوری شود. هیچ هنر یا ادبیاتی نمی تواند گل کند اگر قرار باشد که از طریق دیدگاه های سیاسی یا زندگی خصوصی آفرینندگان آن سنجیده شود. جامعه ای که فهرستی از نویسندگانی تهیه کند که صرف نظر از آنچه آن نویسندگان برای گفتن دارند دیگران از خواندن آثار آنها منع شوند نمیتواند از انسانهای آزاد شکوفا گردد.

۴- در جامعه آمریکا جایی برای فعالیتهائی که سلیقه دیگران را بقیه در صفحه ۵۸

در باره آزادی مطالعه (بقیه)

به زور تغییر دهیم ، مطالب خواندنی افراد بالغ را به آنچه برای نوجوانان مناسب پنداشته می‌شود محدود سازیم ، یا نویسندگان را از دستیابی به نحوه‌های مختلف بیان هنری باز داریم ، وجود ندارد .

از نظر بعضی ها ، مقدار زیادی از ادبیات نوین کوبنده است . اما آیا مقدار زیادی از خود زندگی کوبنده نیست ؟ اگر نویسندگان را از سروکار داشتن با چیزهای واقعی باز داریم ، ریشه ادبیات را از بیخ و بن بریده‌ایم . پدران و مادران و آموزگاران ما مسئولیت آماده ساختن جوانان را ، در برخورد با گوناگونی تجاری که آنها در زندگی واقعی در معرض آن قرار می‌گیرند به دوش دارند ، همان گونه که مسوولند به آنها یاد دهند ، به گونه‌های انتقادی ، بیان‌دیشند . اینها مسئولیتهایی مثبت هستند ، و نبایستی از طریق جلوگیری اولیاء جوانان از خواندن آثار انتقادی کاری کنیم که به سادگی از زیر بار این نوع مسئولیتها شانه خالی کنند . در این گونه موارد سلیقه‌ها متفاوت‌اند ، و نمی‌توان برای سلیقه قانون وضع کرد ، همان طور که نمی‌توان وسیله‌های مناسب نیازهای گروهی اختراع کرد بی آنکه آزادی گروه‌های دیگر را محدود ساخت .

۵ - این که خواننده‌ای را مجبور سازیم هر کتابی را با یک نوع پیشداوری ، از نوع بر چسبی که کتاب یا مولف آنرا به عنوان بدخواه جامعه یا خطرناک مشخص می‌سازد ، بپذیرد کاری است بر خلاف مصالح عمومی .

آرمان برچسب زدن این فرض را در بردارد که موجودیت افراد یا گروه‌هایی خردمند را پذیرفته‌ایم که با اقتدار تمام بتوانند تعیین کنند که برای شهروندان چه چیز خوب است و چه چیز بد . هم چنین ، این فرض را در بردارد که هر فرد در تصمیم‌گیری، درباره قایدی که به مرحله آزمایش در می‌آورد ، باید راهنمایی گردد . ما مردم به این نیاز ندارند که بگذارند دیگران به جای آنها بیان‌دیشند .

۶ - مسئولیت ناشران و کتابداران آمریکا به عنوان نگهبانان آزادی مردم در امر خواندن ، این است که در برابر تجاوز افراد یا گروه‌های مختلف به این آزادی که در پی اعمال انکارها یا سلیقه‌های خود بر اجتماع هستند به سبز مر خیزند .

بر خورد گاه مفاهیم سیاسی ، اخلاقی ، یا زیبایی‌شناسی فردی یا گروهی با مفاهیم فردی یا گروهی دیگر در جریان داد و ستد فرا گرد دموکراتیک گریز ناپذیر است . در یک جامعه آزاد هر فرد در تعیین آنچه مایل است بخواند ، و هر گروه در تعیین آنچه به اعضای خود - که به آزادی عضویت آن گروه را پذیرفته باشند - توصیه کند ، آزاد است . اما ، هیچ گروه یا دسته‌ای حق ندارد قانون را در دست‌خود بگیرد، و مفهوم (یا برداشت) خود را از سیاستها یا اخلاقیات بر اعضای یک جامعه دموکراتیک تحمیل نماید . آن آزادی که فقط با مفاهیم پذیرفته شده و بی‌زیان

سازگار باشد آزادی نیست .

۷ - مسئولیت ناشران و کتابداران این است که با فراهم ساختن کتابهایی که کیفیت و گوناگونی اندیشه و بیان را غنی می‌سازد به آزادی معنای کاملی ببخشند . از طریق عملکرد این مسئولیت مثبت ، افراد اهل کتاب می‌توانند نشان دهند که پاسخ کتابی بد کتابی خوب و پاسخ عقیده‌ای بد عقیده‌ای خوب است .

آزادی مطالعه اگر صرف مطالب آشکار گردد اثر مهمی ندارد ، و هنگامی که خواننده مطالبی را که مناسب منظور او باشد برای مطالعه بدست نیاورد این آزادی بی نتیجه است . آنچه لازم است نه فقط رفع موانع مطالعه آزاد بلکه فراهم ساختن فرصت واقعی مطالعه برای بهترین مطالب اندیشیده و گفته شده است . کتاب‌مجرای اصلی و ابزار عمده آزمون و رشد میراث معنوی است . دفاع از آزادی و تمامیت استقلال ، و گستردن خدمات آنها به جامعه ، به بیشترین توانایی همه افراد اهل کتاب نیاز داشته ، و شایسته‌حد اکثر پشتیبانی از سوی همه شهر و ندان است .

ما گزاره‌های بالا را ز روی بی تفاوتی به عنوان بیاناتی کلی و شعارگونه ارائه نمی‌کنیم . ما در این بیانیه به ادعای بزرگ ارزش کتاب دست زدیم . این کار را می‌کنیم ، چون کتاب فی‌نفسه خوب بوده ، از گوناگونی و سودمندی بی‌کرانی برخوردار است . و ارزش پرورش و آزاد نگهداشتن را دارد . می‌فهمیم که کاربرد این گزاره‌ها ممکن است به معنی انتشار عقاید و روشهای بیانی باشد که مخالف اشخاص زیادی است . ما این گزاره‌ها را با این اعتقاد تسلی بخش بیان نمی‌کنیم که آنچه مردم می‌خوانند مهم نیست . بلکه معتقد هستیم آنچه مردم می‌خوانند بسیار مهم است ، عقاید مختلف می‌توانند خطرناک باشند ، اما اختناق عقاید ، مغرب یک جامعه دموکراتیک است . آزادی به خودی خود شیوه خطرناکی از زندگی است ، اما متعلق به ما است .



- (1) — American Library Association (ALA)
- (2) — Westchester
- (3) — Association of American Publishers
- (4) — ALA Council
- (5) — Established orthodoxy